

"فلسفه علم روانشناسی" در بوته نقد

فاطمه جوادزاده شهشهانی*

چکیده

پس از تصویب عنوان «فلسفه علم روانشناسی» به عنوان درسی دو واحدی در مقطع کارشناسی رشته روانشناسی، چندین کتاب با این عنوان تدوین گردید. نویسنده و ناشر یکی از جدیدترین این کتاب‌ها، دکتر خسرو باقری و سازمان سمت است. این دو ویژگی ایجاب می‌کند که این کتاب معرفی و ارزیابی شود تا با اصلاح و تکمیل آن در ویرایش‌های بعدی، زمینه برای دستیابی به یک کتاب درسی منحصر به فرد در ارتباط با درس فلسفه روانشناسی فراهم آید. در این مقاله پس از معرفی فصول مختلف کتاب «فلسفه علم روانشناسی»، این کتاب از چند زاویه (شکل ظاهری کتاب، عنوان کتاب، تناسب کتاب با سرفصل مصوب این درس، نسبت محتوای این کتاب با سرفصل دروس مرتبط، تناسب بخش‌های مختلف کتاب، محتوای کتاب، نسبت کتاب با کتاب‌های مشابه) ارزیابی می‌شود. نتیجه ارزیابی نشان می‌دهد، در حال حاضر کتاب «فلسفه علم روانشناسی» دکتر خسرو باقری، به عنوان کتاب درسی «فلسفه علم روانشناسی»، دارای مزیت‌هایی می‌باشد، اما لازم است در ویرایش بعدی در نام کتاب، حجم آن، تعداد فصول، عنوان و محتوای هر فصل بازنگری صورت گیرد، تا کتاب تناسب بیشتری با سرفصل‌های تدوین شده پیدا کند. در انتها پیشنهادی برای ارتقای کیفیت سرفصل مصوب این درس و دلایل ارایه این پیشنهاد مطرح می‌شود.

کلیدواژه‌ها: فلسفه علم روانشناسی، کتاب درسی، نقد، خسرو باقری، سازمان سمت.

* استادیار گروه مشاوره، واحد خمینی شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خمینی شهر، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)، javadzadeh@iaukhsh.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۱۸

۱. مقدمه

آشنایی با فلسفه و تاریخ هر یک از شاخه‌های علوم انسانی و اجتماعی می‌تواند زمینه‌ی مناسبی برای تحول در این علوم ایجاد کند. علی‌رغم این‌که در حدود نیم قرن پیش این موضوع توسط اندیشمندانی همچون سید حسین نصر در کشور مطرح گردید و اقداماتی نیز به صورت فردی و گروهی در این زمینه، در قالب ترجمه و تالیف کتاب و مقاله انجام گرفت، اما تا سال ۱۳۷۶ که گروه فلسفه علم دانشگاه صنعتی شریف تأسیس شد و سال‌های بعد از آن که گروه‌هایی همچون فلسفه و تاریخ علم، فلسفه علم و فناوری، مطالعات علم و ... در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی دیگری همچون واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه امیرکبیر، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و ... تشکیل شد، هیچ مرکزی در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری متولی این موضوع نبود. با وجود تأسیس گروه‌های متعدد فلسفه و تاریخ علم در کشور، اما این گروه‌ها به چند دلیل نتوانسته‌اند تأثیر چندانی در عرصه علوم انسانی و اجتماعی داشته باشند؛ زیرا:

این گروه‌ها عمدتاً به فلسفه و تاریخ علوم طبیعی، ریاضی و زیستی می‌پردازند. ارتباطی میان این گروه‌ها و دانشکده‌های علوم انسانی و اجتماعی برقرار نگردیده است. دروس فلسفه و تاریخ علم در دانشکده‌های علوم انسانی و اجتماعی یا تدریس نمی‌شود یا جزء دروس فرعی قلمداد می‌گردد.

در این بین، در ارتباط با فلسفه علوم انسانی و اجتماعی، برخی از شاخه‌های علوم انسانی و اجتماعی نظیر جامعه‌شناسی و علوم سیاسی از وضعیت بهتری برخوردار هستند؛ زیرا اساتید بیشتری درگیر این بحث بوده و کتاب‌های متعددی به زبان فارسی در این زمینه وجود دارد. در مقابل برخی دیگر از شاخه‌های علوم انسانی نظیر روان‌شناسی در این زمینه وضعیت مطلوبی ندارند و نشانه‌ی آن هم وجود کتاب‌ها و مقاله‌های ترجمه‌ای و تألیفی بسیار اندک به زبان فارسی در زمینه فلسفه روانشناسی می‌باشد.

با جستجو در سامانه‌ی کتابخانه ملی چند کتاب زیر با عنوان «فلسفه روانشناسی» یا «فلسفه علم روانشناسی» یافت شد:

۱. بونزه، ماریو و روبن آردیلا (۱۳۹۸)، فلسفه روانشناسی و نقد آن، ترجمه و نقد محمد جواد زارعان و همکاران، چاپ دوازدهم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۷۴۶ صفحه وزیری. چاپ اول این کتاب ۱۳۸۸ است.

۲. دلقندی، حسن (۱۳۹۸)، فلسفه علم روانشناسی، مشهد: تاک کتاب. ۱۲۰ صفحه.
 ۳. سلیمانی آملی، حسین (۱۳۹۸)، فلسفه علم روانشناسی، تهران: زوار. ۹۰ صفحه.
 ۴. عبدالملکی، سعید (۱۳۹۷)، فلسفه علم روانشناسی، تهران: طلایی. ۲۶۴ صفحه.
 ۵. حسینی، سید سلیمان و عبدالخالق فلاحی (۱۳۹۵)، فلسفه علم روانشناسی، زاهدان: تجربه نو. ۱۴۴ صفحه.
 ۶. عقیلی آشتیانی، مجتبی (۱۳۹۱)، فلسفه علم روانشناسی، گرگان: مختومقلی فراغی. ۱۱۷ صفحه.
 ۷. میرتبار درزی، سید تراب (۱۳۹۵)، راهنما و بانک سوالات امتحانی فلسفه روانشناسی و نقد آن، تهران: خردمندان. ۴۹۶ صفحه.
 ۸. گروه مولفین محام (۱۳۹۶)، فلسفه علم روانشناسی، کرج: دانش محام. در توضیح این کتاب ۲۵ صفحه‌ای که در بردارنده پرسش و پاسخ است، در پایگاه کتابخانه ملی آمده است: این کتاب بر اساس کتاب فلسفه روانشناسی و نقد آن (زارغان، حقانی) تدوین گردیده است.
 ۹. رخه، زینب و محمد رضا تعویقی (۱۳۹۶)، فلسفه علم روانشناسی، کرج: مهاتما گاندی. این کتاب ۶۰ صفحه‌ای گردآوری پرسش و پاسخ‌های آزمون فلسفه علم روانشناسی است.
 ۱۰. عباسی، یاسمین (۱۳۹۶)، فلسفه علم روانشناسی، کرج: بیدار. این کتاب ۷۹ صفحه‌ای نیز که در سال ۱۳۹۸ تجدید چاپ گردیده به سوالات امتحانی فلسفه علم روانشناسی اختصاص دارد.
 ۱۱. وحیدی، نغمه و زینب اصالتی (۱۳۹۸)، کتاب طلایی فلسفه علم روانشناسی، تهران: مولفین طلایی. ۱۲۰ صفحه.
- در میان این کتاب‌ها، موارد شماره‌ی ۷ تا ۱۱ که در سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۹۸ منتشر شده‌اند، کتاب‌هایی هستند که به منظور آشنایی دانشجویان با پرسش‌های آزمون فلسفه علم روانشناسی گردآوری شده‌اند. تاریخ نشر کتاب‌های ۲ تا ۱۱ نیز نشان می‌دهد که این کتاب‌ها به واسطه‌ی تصویب درس فلسفه علم روانشناسی در سال ۱۳۹۱ تألیف شده‌اند.
- اخیراً کتاب دیگری با عنوان «فلسفه علم روانشناسی» به قلم دکتر خسرو باقری تدوین شده که انتشارات سمت آن را منتشر کرده است. با توجه به موقعیت علمی دکتر باقری (استاد تمام دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران) و فعالیت‌های چندین ساله‌ی ایشان در زمینه‌ی فلسفه علوم انسانی، و همچنین ناشر کتاب، که متولی تدوین کتب

درسی علوم انسانی دانشگاهی است، نویسنده در این مقاله با توجه به عدم امکان ارزیابی هم‌زمان کتابهای ذکر شده در بالا، صرفاً به بررسی و نقد این کتاب می‌پردازد. به این ترتیب این مقاله می‌تواند بستری برای ارزیابی و مقایسه‌ی تطبیقی سایر کتاب‌های درسی تألیف شده در زمینه‌ی فلسفه روان‌شناسی فراهم آورد.

در این مقاله پس از معرفی مختصر کتاب، آن را از چند زاویه بررسی خواهم کرد:

۱. شکل ظاهری کتاب

۲. عنوان کتاب

۳. تناسب کتاب با سرفصل مصوب این درس

۴. نسبت محتوای این کتاب با سرفصل دروس مرتبط

۵. تناسب بخش‌های مختلف کتاب

۶. محتوای کتاب

۷. نسبت کتاب با کتاب‌های مشابه

۲. معرفی کتاب

کتاب «فلسفه علم روان‌شناسی»، اثر دکتر خسرو باقری نوع‌پرست، در تابستان سال ۱۳۹۸ توسط سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) در قالب ۱۹۰ صفحه قطع وزیری، به تعداد ۵۰۰ نسخه منتشر شده است. ویراستار این کتاب نسیم ترهنده است. در سخن سمت آمده است: «کتاب حاضر برای دانشجویان رشته روان‌شناسی در مقطع کارشناسی به عنوان منبع درس «فلسفه علم روان‌شناسی» به ارزش ۲ واحد تدوین شده است» (ص ۴). این کتاب شامل مقدمه، سه بخش، دوازده فصل، سخن آخر، فهرست مطالب، فهرست شکل‌ها و فهرست منابع است.

در مقدمه، نویسنده به دغدغه‌ی دیرینه‌ی آدمی در خودشناسی، انگیزه‌های وی در این زمینه و شیوه‌های خودشناسی اشاره می‌کند. سپس به شکل‌گیری روان‌شناسی جدید در اواخر قرن نوزدهم و تمایز آن از علم‌النفس، بر مبنای تمایز روش تجربی از روش عقلی می‌پردازد و مکاتب مختلف روان‌شناسی جدید را برمی‌شمارد. به عقیده‌ی وی تأمل در مکاتب مختلف روان‌شناسی این نکته را نمایان می‌سازد که روان‌آدمی بسیار پیچیده‌تر از آن است که با پرده برداشتن از یک جنبه آن بتوان شناخت کامل آن را ادعا کرد (ص ۳) و بر

همین اساس گفتگوی میان مکاتب مختلف روانشناسی و همچنین روانشناسی با دیگر رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی و از جمله فلسفه اجتناب ناپذیر می‌گردد. گفتگوی میان فلسفه و روانشناسی پرسش‌هایی را برای روانشناسی پدید می‌آورد. از جمله این که:

آیا روانشناسی، علم است؟

موضوع روانشناسی چیست؟

موضوع روانشناسی را به چه روشی باید مطالعه کرد؟

چه کاربردهایی را از روانشناسی می‌توان انتظار داشت؟ (ص ۴)

در فصل اول از بخش اول (با عنوان مفاهیم اساسی) نویسنده به ایضاح مفهومی فلسفه، علم و رابطه‌ی آن دو می‌پردازد. وی پس از اشاره‌ای کوتاه به تلقی دانشی یونان باستان و قرون وسطی از فلسفه، به تلقی روشی از فلسفه در عصر جدید که توسط فیلسوفانی همچون کانت و ویتگنشتاین مطرح شد می‌پردازد و به شش ویژگی فلسفه اشاره می‌کند. سپس چالش‌هایی را که در ارتباط با چیستی علم تجربی وجود دارد بیان کرده و پس از بیان رویکردهای خام و ابتدایی و حداکثری نسبت به نقش تجربه در علم، به یک رویکرد حداقلی درباره نقش تجربه در علم برای جداکردن علم از سایر دانش‌ها مانند افسانه، فلسفه و ... بسنده می‌کند. در ادامه دو نوع رابطه میان فلسفه و علم بررسی می‌شود (که در یکی فلسفه مبانی و مبادی علم را تدارک می‌بیند و در دیگری فلسفه و علم دو دانش در هم تنیده قلمداد می‌شود که تفاوت ماهوی بین آنها نیست و هر یک می‌تواند در دیگری اثر داشته باشد) و قوت‌ها و ضعف‌های این دو دیدگاه معرفی می‌شود. باقری در ادامه به تشریح سه استعاره برای رابطه‌ی فلسفه و علم، یعنی فلسفه به عنوان ملکه‌ی علوم (به این معنا که فلسفه مبانی و مبادی اعتبار علم را تدارک می‌بیند)، فلسفه به عنوان مادر علوم (به این معنا که همه‌ی علوم در ابتدا از دامن فلسفه پدید آمده‌اند و سپس مستقل شده‌اند) و فلسفه به عنوان خادم علوم (به این معنا که فلسفه تنها عهده‌دار حل مسایلی است که علوم پدید می‌آورند) پرداخته و قوت‌ها و ضعف‌های این سه دیدگاه را بیان می‌کند. در پایان، نویسنده به این پرسش پاسخ می‌دهد که آیا اعتقاد به نقش آفرینی فلسفه و ویژگی‌های فردی و اجتماعی در فرایند علم‌ورزی، عینیت علم را به چالش نمی‌کشد؟ و در پاسخ به این نکته اشاره می‌کند که در علم‌ورزی ناگزیر (خواسته یا ناخواسته و آگاهانه یا ناخودآگاه) این عوامل تأثیرگذارند و موجب می‌شوند که هر محقق از منظر خاصی واقعیت را به تصویر کشد و آنچه عینیت علم را تأمین می‌کند این است که به هر حال واقعیت هم در این تصویر

نقشی و جایگاهی دارد، همان‌طور که بین عکسی که عکاس‌های مختلف با منظرهای مختلف از یک واقعیت می‌گیرند، با یک نقاشی کاملاً تخیلی تفاوت وجود دارد.

عنوان فصل دوم از بخش اول، فلسفه علم و فلسفه علم روان‌شناسی است. در این فصل نویسنده به چستی فلسفه علم و به طور خاص فلسفه علم روان‌شناسی به عنوان یک دانش مرتبه‌ی دوم می‌پردازد. در ادامه، این بحث که فلسفه علم روان‌شناسی گسترده‌تر از فلسفه علم روان‌شناسی است مطرح و به معانی دیگری از جمله فلسفه علم ذهن و روان‌شناسی فلسفی نیز اشاره می‌شود. محورهای ابعاد فلسفه علم روان‌شناسی در سه قسمت (موضوع و تاریخچه روان‌شناسی، روش پژوهش در روان‌شناسی و هدف این علم) بررسی شده است. در ادامه نقش فلسفه علم روان‌شناسی در فهم عمیق‌تر نظریه‌های روان‌شناسی و اهمیت مباحث بین رشته‌ای در علوم مختلف مورد بحث قرار گرفته است.

در فصل سوم (از حالات روان‌تنی تا آگاهی) که اولین فصل از بخش دوم کتاب (موضوع روان‌شناسی) است، نویسنده ابتدا به معرفی سنت روان‌جسمی یا روان‌تنی پرداخته است. طرح دیدگاه تداعی گرابی، دیدگاه فروکاهشی، اصل ثبات انرژی، وجود ایده‌هایی فطری در درون انسان که پس از همبستگی با دریافت‌های حسی از بیرون، از طریق استنباط ناخودآگاه تبدیل به ادراک‌های پیچیده می‌شوند و اشاره به برخی صاحب نظران این دیدگاه‌ها در ادامه‌ی این فصل آمده است. هم‌چنین به دیدگاه کانت اشاره شده است که معتقد بود روان‌شناسی را نمی‌توان علمی تجربی (مانند علوم طبیعی تجربی که کاملاً از روش کمی استفاده می‌کنند) محسوب کرد، هرچند انجام پژوهش‌های تجربی و کمی را در عرصه‌ی روان انسان ممکن می‌دانست. طرح دیدگاه‌های وونت، مؤسس آزمایشگاه روان‌شناسی، از جمله تأکید او بر آگاهی به عنوان موضوع روان‌شناسی، ترکیب خلّاق در ترکیب‌های روان‌شناختی به این معنی که عناصر قبل و بعد از ترکیب قابل تجزیه نیستند و بصورت جداگانه وجود ندارند، چالش و نقد روان‌شناسی آگاهی و دیدگاه گشتالتی نسبت به سنت روان‌جسمی و طرح خصیصه‌ی پیکربندی و ویژگی کل‌نگرانه‌ی دریافت در دیدگاه وونت از مباحثی است که نویسنده در این فصل، به اختصار بدان پرداخته است.

عنوان فصل چهارم کتاب «ضمیر ناخودآگاه همچون موضوع روان‌شناسی» است. نویسنده در این فصل به تحولات بعد از جنگ جهانی اول و دوم اشاره می‌کند: موج هنر جدید و ابراز احساسات و هیجان‌ها در این زمان، هم‌چنین در عرصه‌ی روان‌شناسی چرخش از خودآگاه به ناخودآگاه. در ادامه نویسنده بر نظریه‌ی فروید تمرکز کرده و

خصوصیات ناخودآگاه انسان را از نگاه وی بیان کرده است. سپس به طرح الگوی جدید فروید برای تقسیم روان انسان به سه بخش او، من و فرامن و عرضی برخی دیدگاه‌ها نسبت به این الگو پرداخته است. در ادامه، نویسنده دیدگاه‌های برخی صاحب‌نظران در مورد نظریه‌ی فروید را ارایه کرده است از جمله این‌که برخی پرداختن فروید به تحلیل رؤیا پس از خواب مصنوعی را چرخش وی از علوم طبیعی به علوم انسانی و دیدگاه هرمنوتیکی دانسته‌اند و برخی تمام این اختلاف نظرها را به وجود ابهام در این نظریه اطلاق کرده‌اند و این‌که تجزیه‌هایی که توسط فروید در ساختار روان آدمی ایجاد شده و مکانیسم‌های دفاعی او، همگی بر غیرعقلانی بودن انسان از نظر او اشاره دارد.

در فصل پنجم نویسنده ساختار ذهن را موضوع روان‌شناسی معرفی کرده است. به این ترتیب محتوای این فصل بر روان‌شناسی گشتالت تمرکز دارد و برخی مفاهیم از جمله گشتالت، پیکربندی، پرگنانتس (ایجاد گشتالت بین اجزای متفرق برای رسیدن به تعادل بر اساس اصول مجاورت و مشابهت)، آمایه و فراگذاری معرفی شده‌اند. در ادامه انتقادات برخی متفکران به این رویکرد از جمله نظر به فروگاهشی بودن آن مطرح شده است.

فصل ششم به موضوع تکوین ساختار ذهن به عنوان یک موضوع روان‌شناسی پرداخته است. در این فصل نظریه‌ی پیازه مورد بررسی، تحلیل و نقد قرار گرفته است. شباهت این نظریه با رویکرد گشتالت (که در فصل قبلی مطرح شده) در پرداختن به ذهن دانسته شده است با این تفاوت که پیازه به مراحل تحولی ساختار ذهن می‌پردازد. چگونگی تأثیرپذیری پیازه از کانت مانند موضوع طرحواره‌های ذهنی و مفهوم زمان، مکان و علیت، هم‌چنین ترکیب ساختارگرایی و سازه‌گرایی برای بررسی چگونگی تکوین ذهن و عدم امکان کاهش ساختارهای ریاضی و منطقی ذهن به اعمال تجربی از جمله مفاهیمی هستند که نویسنده از نظریه‌ی پیازه مطرح می‌کند. سپس برخی نقدهای طرح شده به این نظریه عنوان می‌شود از جمله ابهام در تضاد بین تعامل‌گرایی سازه‌گرایانه با محیط و روند رشدی ثابت ذهن، غفلت از نقش زبان، تکوینی نبودن معرفت‌شناسی انسان و ابهام در معیار دانش از نظر پیازه.

عنوان فصل هفتم «رفتار همچون موضوع روان‌شناسی» است. در این فصل رفتار به عنوان یک عامل عینی و قابل اندازه‌گیری در مقابل حالات روانی و درونی که خصوصی و غیرقابل مشاهده‌اند، دلیل توجه رفتارگرایان به این موضوع مطرح شده است. طرح دیدگاه واتسن، نوررفتارگرایی و رفتارگرایی رادیکال اسکینر از جمله مباحث این فصل است. در ادامه‌ی این فصل، مبنای فکری رفتارگرایی در این‌که حالات ذهنی و روانی دارای

موجودیت مستقلی نیستند و تنها مجموعه‌ی پیچیده‌ای از قابلیت‌های رفتاری هستند، مورد نقد قرار گرفته است. مهم‌ترین نقد، یکی دانستن دوگانه‌گرایی و ذهنی‌گرایی و نفی هردوی این‌ها توسط رفتارگرایی است که به طور تفصیلی مورد بحث قرار گرفته است.

نویسنده در فصل هشتم به معرفی یکی از جریان‌های مهم در روان‌شناسی یعنی شناخت‌گرایی پرداخته است و از آن به عنوان جریان غالب در نیمه‌ی دوم قرن بیستم، در مقابل جریان رفتارگرایی به عنوان جریان غالب در نیمه‌ی اول قرن بیستم یاد کرده است. روان‌شناسی گشتالت و مفهوم طرح‌واره از دیدگاه پیازه در بسط این رویکرد مؤثر بودند. فرایند پردازش اطلاعات که مورد توجه شناخت‌گراها بوده و به‌طور هم‌زمان محرک‌های درون‌داد اطلاعاتی و طرح‌واره‌ها، توجه به فرایند ناخودآگاه ذهنی و نیز فطری بودن امور ذهنی در این فصل مطرح شده است. طرح موضوع دربارگی در امور ذهنی مانند تخیل، تفکر، احساس، هیجان و ادراک یکی از مباحث دیگر این فصل می‌باشد. در ادامه، نویسنده چالش بین دیدگاه‌های مختلف در این باره که آیا روان‌شناسی شناختی، انقلابی در روان‌شناسی ایجاد کرده یا نه و دلایل آن‌ها را بیان کرده است. در ضمن این مطلب، موضوع آگاهی و تفاوت آن با سایر امور ذهنی مورد بحث در این رویکرد، مطرح شده است. آگاهی، فطری بودن امور ذهنی که هنوز مورد بحث نظریه‌پردازان است و چالش امور ذهنی برای طبیعی‌گرایان و برخی ابهام‌های موجود در این موارد، در انتهای فصل آمده است.

فصل نهم به رویکرد جدیدی در اواخر قرن بیستم، با عنوان عصب‌روانشناختی می‌پردازد. در این دیدگاه، شناخت‌گرایی رویکردی کهنه معرفی می‌شود و تمام موضوعات روان‌شناختی انسان به تبیین‌های عصب‌شناختی فروکاسته می‌شوند. نویسنده دو نوع نقد به این رویکرد را مطرح می‌کند: نقد از منظر نوظهورگرایی و نقد از منظر تجربه‌های ذهنی اول شخص. در دیدگاه نوظهورگرایی، حالات روانی از جمله آگاهی قابل فروکاستن به ماده نیست؛ بلکه خصیصه‌های نوظهور در ماده‌اند که در مغز به ظهور می‌رسند. در نقد دوم این موضوع مطرح می‌شود که هر ادراک یا آگاهی که توسط خود فرد تجربه می‌شود، با صرف دانستن فعل و انفعالاتی که منجر به آن می‌شود یکی نیست.

بخش سوم از این کتاب در سه فصل به موضوع روش پژوهش در روان‌شناسی می‌پردازد. ابتدا در مقدمه‌ی این بخش، روش تفسیری فروید و برخی انتقادات نسبت به آن و روش شناخت‌گراها که شبیه روش رفتارگراهاست و روش عصب‌روانشناختی مطرح شده

است. در فصل‌های بعدی روش درون‌بینی، روش مشاهده‌ی بیرونی رفتارگراها و روش تجربی - منطقی روان‌شناسی تکوینی بررسی می‌شود.

فصل دهم به روش درون‌بینی وونت می‌پردازد. در ارایه‌ی این بحث، نویسنده به سابقه‌ی روش درون‌بینی در مذهب و یا در رویکردهای ذهن‌گرایانه اشاره کرده و انتقادهای وارد به آن را برای به کار بردن در علوم تجربی مطرح می‌کند. سپس چگونگی روشمند شدن آن توسط وونت را مورد بررسی قرار می‌دهد به طوری که بتواند در صحنه‌ی علم تجربی روان‌شناسی ایفای نقش کند. پس از آن مواجهه‌ی رفتارگراها با روش درون‌بینی که به نوعی شبیه جنگ صلیبی بوده است، عنوان می‌شود. زیر سوال رفتن روایی، اعتبار و مفید بودن این روش، بحث بعدی نویسنده است. ضمن این که مدافعان این روش، قایل هستند که با انجام اصلاحاتی توانسته‌اند بر مشکلات یاد شده فایق آیند.

نویسنده در فصل یازدهم با عنوان «روش مشاهده‌ی رفتاری» به سه رویکرد در این روش اشاره کرده است. در رویکرد اول، درون‌بینی و خودمشاهده‌گری کاملاً حذف شده است و الگوی محرک - پاسخ بدون توجه به امور درونی ارگانسیم، بررسی می‌شود. در رویکرد دوم، نورفتارگرایی، الگوی محرک - ارگانسیم - پاسخ را جایگزین کرده است. هم‌چنین نویسنده الگوی فرضیه‌ای - قیاسی مورد قبول رویکرد سوم را ارزیابی کرده است.

فصل دوازدهم روش تجربی - منطقی را در روان‌شناسی تکوینی بررسی می‌کند. پیازه ترکیبی از روش‌های درون‌بینی وونت، مشاهده‌ی رفتاری رفتارگرایان، استفاده از آزمون آلفرد بینه و روش بالینی روان‌پزشکان را به کار گرفته است که نویسنده در این فصل، دیدگاه وی در مورد هر کدام از این روش‌ها و چگونگی ترکیب آن‌ها را مطرح کرده است. در ادامه مشکلات درون‌بینی صرف در دیدگاه و روش تجربی - منطقی پیازه و برخی نقدهای دیگر مطرح می‌شود.

نویسنده در «سخن آخر» به آینده‌ی روان‌شناسی می‌پردازد. در این قسمت ابتدا شکوه‌ی راسل نسبت به روان‌شناسی معاصر مطرح می‌شود تحت این عنوان که هیچ نظریه‌ی روان‌شناسی به عرصه‌ی کامل موجودیت انسان نمی‌پردازد و روان‌شناسی مطلب جدیدی بر علم خود نمی‌افزاید جز بازگویی آنچه از قبل به آن باور داشته است. در ادامه دیدگاه‌های مختلف از نظر مبنای فلسفی و علمی مطرح می‌شود که هر کدام از زاویه‌ی خاص خود به واقعیت انسان نگریسته است و در نهایت نویسنده عنوان می‌کند که نگاه یک‌پارچه به انسان

با در نظر گرفتن دو جنبه‌ی ذهنی و عینی در او می‌تواند کامل‌تر باشد. هرچند دیدگاه یک-پارچه، خود، از نظر وزن‌دهی به ابعاد مختلف می‌تواند رویکردهای متفاوتی را ایجاد کند.

۳. ارزیابی ظاهری کتاب

همان‌طور که اشاره شد کتاب «فلسفه علم روان‌شناسی» در قالب ۱۹۰ صفحه قطع وزیری منتشر شده است. جنس کاغذ این کتاب گاهی و سبک وزن است که برای مطالعه کتاب کاملاً مناسب است.

تعداد فصول و صفحات کتاب برای یک درس دو واحدی در مقطع کارشناسی تا حدودی مناسب است. البته با توجه به اختصاص ۱۵-۲۰ صفحه برای هر درس حدود چهارده جلسه درسی و لزوم طرح برخی از مباحث مطابق سرفصل مصوب (که در ادامه به آن اشاره می‌شود) و اضافه شدن صفحاتی به عنوان اهداف درس و پرسش‌هایی برای تحقیق بیشتر و ... شایسته است در ویرایش بعدی تعداد فصول کتاب به چهارده فصل و تعداد صفحات کتاب به حدود ۲۵۰ صفحه افزایش یابد.

نوع قلم متن، عناوین بخشها و پاورقی ... مناسب است و کتاب صفحه آرایی و صحافی مناسبی هم دارد.

قیمت کتاب (۱۷ هزار تومان) برای چنین کتابی، قیمت مناسبی است و دانشجویان به راحتی می‌توانند آن را تهیه کنند.

با توجه به کثرت دانشجویان روان‌شناسی و رسمیت یافتن درس فلسفه‌ی علم روان‌شناسی و هم‌چنین اعتبار نویسنده‌ی کتاب در مجامع علمی، به نظر می‌رسد چاپ کتاب به تعداد ۵۰۰ نسخه بسیار اندک است.

در مورد عناوین فصلها در بخش دوم لازم است به این نکته توجه شود: در تمام عناوین فصلهای ۴ تا ۹ و در عنوان قسمت اول فصل ۳، واژه‌ی «همچون» آمده است؛ برای مثال: همبستگی‌های روان‌تنی همچون موضوع روان‌شناسی یا تکوین ساختار ذهن همچون موضوع روان‌شناسی. به نظر می‌رسد کاربرد واژه‌ی همچون، باعث شده عناوین فصلها برای خواننده غریب باشد. بهتر است عناوین فصلها چنین تغییر یابد: «همبستگی‌های روان‌تنی: یک موضوع روان‌شناسی» یا سایر موارد به همین صورت.

برای یک کتاب درسی طرح اهداف درس در آغاز هر فصل و پرسش‌هایی برای تحقیق در پایان هر درس می‌تواند به درک بهتر مطالب کتاب درسی کمک کند. شایسته است این مطلب در ویرایش بعدی کتاب مد نظر قرار گیرد.

در نسخه‌ی کنونی، فصل اول بدون هیچ‌گونه توضیحی پس از عنوان بخش اول آمده است. اولین فصل از بخش دوم با یک صفحه مطلب با عنوان «در یک نگاه» آغاز شده است. اولین فصل از بخش سوم کتاب نیز با چهار صفحه مطلب با عنوان «مقدمه: مروری بر برخی از روش‌های پژوهش روان‌شناختی» آمده است. به نظر می‌رسد رعایت هماهنگی بخش‌ها و فصول کتاب، شکل کلی کتاب را پسندیده‌تر می‌کند.

بخش دوم کتاب حاضر با طرح گفتگویی ساختگی میان یک دوگانه‌گرا، یک فیزیکی-نگر، یک کارکردگرا آغاز شده است. استفاده از این قالب در آغاز هر درس یکی از ابزارهایی است که می‌تواند زمینه را برای فهم بهتر مباحث آن درس فراهم آورد. به خصوص در ارتباط با بحث فلسفه‌ی روان‌شناسی، از آنجا که دیدگاه رایج، فلسفه را دانشی صرفاً انتزاعی قلمداد می‌کند، برای این که نشان داده شود، پرسشی که قرار است در این درس پاسخ داده شود، از دل مباحث روان‌شناسی استخراج شده، بیان چنین گفتگوهای ساختگی‌ای بسیار مفید است. شایسته است در ویرایش بعدی کتاب، بخش اول و سوم کتاب نیز با همین قالب آغاز گردد. در فصل اول می‌توان گفتگویی میان سه نفر (طرفداران رویکرد ملکه‌ای، مادری و خادمی فلسفه برای علوم) طراحی کرد و در بخش سوم گفتگویی میان طرفداران روش‌های مختلف تحقیق در روان‌شناسی. ملاحظه‌ی دیگر در این ارتباط آن‌که شایسته است پس از طرح گفتگوی ساختگی، به اختصار توضیح داده شود که چگونه قرار است با مباحث آن بخش، ابعاد مختلف این گفتگو بررسی گردد. همچنین پیشنهاد می‌شود روش‌های پژوهش طرح شده در مقدمه بخش سوم، در قالب یک فصل مجزا با توضیحات کامل‌تر در مورد روشها، به ابتدای بخش سوم اضافه شود.

ویراستاری و نمونه‌خوانی کتاب به خوبی انجام شده است، به گونه‌ای که به ندرت می‌توان اشکالات تایپی یا ویرایشی در متن مشاهده کرد. برخی از معدود اشکالات تایپی یا ویرایشی کتاب عبارتند از:

ص ۹: تاریخ تولد و فوت ویتگنشتاین درج نشده است. این مشکل درباره‌ی برخی دیگر از اسامی نیز در کتاب دیده می‌شود.

ص ۱۴: این تعبیر، از جمله، حاکی از آن است "از جمله"، اضافی به نظر می‌رسد.

- ص ۲۰: نام لاتین گوتلوب فرگه در پاورقی نیامده است. این اشکال درباره‌ی برخی دیگر از اسامی نیز در کتاب دیده می‌شود.
- ص ۲۱: شیوه نگارش لاتین اسامی تامس کوهن و گوردون آلپورت در پاورقی یکسان نیست. این مشکل در صفحات دیگر کتاب نیز دیده می‌شود. یا همه جا نام کوچک به صورت کامل درج شود یا به صورت اختصاری.
- ص ۳۰: ... در اثر حاضر نیز به همین معنای عمده توجه نشده است ... صحیح: توجه شده است.
- ص ۳۷: زیرنویس‌های انگلیسی ناقص هستند. مثلا: هرمان فون هلمهولتز (در ص ۳۹ آمده که باید به اینجا منتقل شود) و ایده آلیسم آلمانی نیامده است. در همین صفحه، واژه های عصب تن شناختی، ایده‌آلیسم، روان جسمی و روان‌تنی زیرنویس نشده اند.
- ص ۳۸: تاریخ تولد و فوت برنتانو پس از اولین استفاده از نام وی در متن باید بیاید. این اشکال در چند مورد دیگر نیز در کتاب دیده می‌شود.
- ص ۵۲: ... مطالعه فیزیکی و فیزیولوژیک ... صحیح فیزیولوژیکی است.
- ص ۱۰۵: ارجاع بند دوم (ص ۲۳۰) آمده است و نام نویسنده درج نشده است.
- ص ۱۴۳: بر اساس آنچه گفته شد، از این روست که "از این روست که" اضافی است.
- ص ۱۵۰: یکی از عواملی که روایی و تکرارپذیری روش درون بینی را نشان می دهد، وجود تفاوت‌های فردی است... به جای "نشان می دهد" باید "به چالش می کشد" بیاید.
- ص ۱۵۰: در نتیجه اگر یک روان‌شناس آزمون واحدی را با این روش انجام می دهد، ... "انجام دهد" صحیح است.
- ص ۱۵۱: به اعتبار روش درون‌بینی، از این جهت نیز حمله شده است که حامیان این روش را مدعی بدون پشتوانه دست یافتن به دانش بی‌واسطه، شهودی و استوار دانسته اند ... مبهم است نیاز به ویرایش دارد.
- ص ۱۵۲: پاسخ کوستال به این نقد که روش درون‌بینی، ما را به دانشی بی‌واسطه و با کفایت می‌رساند، "نمی‌رساند" صحیح است.
- ص ۱۵۹: فیزیک و بیولوژی "زیست‌شناسی" معادل جاافتاده‌ای برای "بیولوژی" است.

"فلسفه علم روانشناسی" در بوته نقد ۶۱

ص ۱۶۱: اگر یک مفهوم را به دو صورت سنجش عملی کنیم ... نیاز به ویرایش دارد.
ص ۱۷۴: ... روان‌شناسی معاصر، به رغم دغدغه علمی بودن، "دغدغه علمی داشتن" صحیح است.

ص ۱۸۲: یکنواختی نام کوچک نویسندگان در فهرست منابع رعایت نشده است.
هم‌چنین ترجمه برخی اصطلاحات نیاز به بازنگری دارد از جمله:

ص ۱۵ و ... : طبیعی‌گرایی naturalism اصطلاح رایج طبیعت‌گرایی است.

ص ۱۵ و ... : بنیادی‌نگری foundationalism اصطلاح رایج بنیادگرایی است.

ص ۱۷: ایده پدید آبی معادل ندارد.

ص ۲۱: برنامه تندرو جامعه‌شناسی strung program of sociology of scientific knowledge اصطلاح رایج، برنامه‌ی قوی جامعه‌شناسی است.

۴. ارزیابی عنوان کتاب

عنوان فارسی کتاب «فلسفه علم روان‌شناسی» است. به چند دلیل در این عنوان واژه «علم» اضافی به نظر می‌رسد:

۱. روان‌شناسی در مجامع علمی به عنوان یک علم شناخته می‌شود و قید علم برای آن اضافی است.

۲. عنوان فلسفه روان‌شناسی در زبان فارسی و انگلیسی (Philosophy of Psychology) عنوان کاملاً جاافتاده‌ای است.

۳. قید علم در عناوینی همچون «فلسفه علم تاریخ» یا «فلسفه علم اخلاق» یا ... ضروری است، از این جهت که آن را از عناوین دیگری همچون «فلسفه تاریخ» و «فلسفه اخلاق» که به لحاظ موضوعی با هم تفاوت دارد، متمایز سازد. فلسفه تاریخ و فلسفه اخلاق معرفت‌های درجه اول هستند، در حالی که فلسفه علم تاریخ و فلسفه علم اخلاق معرفت‌های درجه دوم.

۴. عنوان انگلیسی کتاب Philosophy of Psychology است که معادل فلسفه روان‌شناسی است.

۵. نویسنده در چند جای همین کتاب از عنوان «فلسفه روان‌شناسی» استفاده کرده است و فلسفه روان‌شناسی را مورد خاصی از فلسفه علم دانسته است (ص ۲۴ و ۲۷ و ۳۲ و ۳۳).

با توجه به کتب دیگری که با عنوان فلسفه علم روان‌شناسی منتشر شده است، می‌توان احتمال داد نامی که برای این کتاب‌ها انتخاب شده است، همان عنوان درسی است که در برنامه درسی روان‌شناسی در مقطع کارشناسی (بازنگری شده در سال ۱۳۹۱) آمده است. در صفحه ۵۵ این برنامه، درس «فلسفه علم روان‌شناسی» با کد ۱۲۱ به عنوان ۲ واحد درس نظری اصلی معرفی شده است. با وجود این، عنوان انگلیسی این درس در این صفحه Philosophy of Science in Psychology درج شده است که احتمالاً منظور این بوده است که آن دسته از مباحث فلسفه علم که مناسب رشته روان‌شناسی است به دانشجویان تدریس شود. در این صورت لازم است عنوان درس و کتاب‌های درسی مرتبط با این درس هم مطابق با عبارت انگلیسی آن یعنی «فلسفه علم در روان‌شناسی» تغییر یابد که این عبارت از دیدگاه فلسفه علم، معادل همان «فلسفه روان‌شناسی» است.

به هر روی به نظر می‌رسد عنوان فلسفه روان‌شناسی برای این درس کفایت می‌کند و قید علم در فلسفه علم روان‌شناسی قید اضافی است.

البته نویسندگان در دو جا سعی کرده است عنوان «فلسفه علم روان‌شناسی» را موجه نشان دهد. از جمله در صفحه ۲۴ آورده است: «از آنجا که فلسفه روان‌شناسی به معانی مختلفی به کار می‌رود، تعریف آن ما را ناگزیر خواهد کرد که به توضیح دیگر مفاهیم مرتبط با آن بپردازیم. مراد اصلی از فلسفه روان‌شناسی در این کتاب «فلسفه علم روان‌شناسی» است...». توضیح این مطلب به تفصیل در صفحات ۳۰-۳۲ ذیل عنوان مفاهیم مرتبط با فلسفه روان‌شناسی آمده است:

اصطلاح «فلسفه روان‌شناسی» به طور عمده به معنای فلسفه علم روان‌شناسی است ... اما اصطلاح مذکور به معانی دیگری نیز به کار می‌رود. ... در اینجا به دو معنای دیگر از فلسفه روان‌شناسی ... اشاره می‌کنیم:

یکی از مفاهیم مرتبط، «روان‌شناسی فلسفی» است. علم النفس در اصطلاح فیلسوفان مسلمان نیز با همین مفهوم مرتبط است.

مفهوم مرتبط دیگر، فلسفه ذهن است که خود یکی دیگر از معانی فلسفه روان‌شناسی است ...

اما همان‌طور که نویسندگان به خوبی عنوان بحث را در صفحه ۳۰، «مفاهیم مرتبط با فلسفه روان‌شناسی» ذکر کرده است، روان‌شناسی فلسفی و فلسفه ذهن دو عنوان جافتاده‌ای هستند که هر چند اشتراک‌هایی با فلسفه روان‌شناسی دارند، اما به عنوان دانش‌هایی متمایز

"فلسفه علم روانشناسی" در بوته نقد ۶۳

از فلسفه روان‌شناسی شناخته می‌شوند و در این قسمت معرفی شده‌اند. به این ترتیب بهتر است پاراگراف اول ذیل این عنوان حذف شود. در نهایت می‌توان گفت شایسته‌تر آن بود که خسرو باقری همان عنوان جافتاده‌ی فلسفه روان‌شناسی را به کار می‌بردند و از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری می‌خواستند که عنوان فارسی و انگلیسی درس را در برنامه درسی بازنگری شده در سال ۱۳۹۱ اصلاح کنند.

۵. ارزیابی تناسب فصول کتاب با سرفصل‌های مصوب

در صفحه ۵۵ برنامه درسی کارشناسی روان‌شناسی، مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری هدف کلی درس «شناخت مبانی فلسفه علم روان‌شناسی معاصر و نقد آن‌ها» عنوان شده است و سرفصل مطالب مصوب عبارتند از:

کلیات: تعریف، اهمیت، اهداف و مفاهیم مرتبط (فلسفه ذهن و علم النفس)
تاریخچه: زمینه‌های فلسفی روان‌شناسی در مکاتب فلسفی غرب (خردگرایی و تجربه-گرایی)

موضوع روان‌شناسی: ناهمگرایی در موضوع، همگرایی در عملکرد
فلسفه روش‌شناسی در روان‌شناسی: مشاهده، اندازه‌گیری، آزمایش، تبیین در سطوح مختلف

فلسفه رفتارگرایی: محیط‌گرایی و عملیات‌گرایی
فلسفه ذهن‌گرایی: گشتالت، پردازش اطلاعات
فلسفه زیست‌روان‌شناسی (روان‌شناسی فیزیولوژیک: مغز و قشر خاکستری، هورمون‌ها، تکامل)

فلسفه رویکردهای اجتماعی: فرهنگ، طبقات اجتماعی، جامعه‌پذیری
هشیاری و تجربه ادراکی: وجوه تمایز در مساله هشیاری، توجه، درون‌بینی، عواطف، رویا

تفکر و زبان: نگاهی فلسفی

فناوری روان‌شناسی: روان‌شناسی بالینی، روان‌شناسی تربیتی، روان‌شناسی صنعتی - سازمانی

به نظر می‌رسد فصول کتاب مورد بحث، تناسب بسیاری با سرفصل‌های مصوب دارند. باقری در دو فصل اول به تعریف فلسفه روان‌شناسی پرداخته و اهمیت و اهداف آن را برشمرده و به مفاهیم مرتبط با فلسفه روان‌شناسی مانند فلسفه ذهن و علم النفس اشاره کرده است. ناهمگرایی در موضوع را به تفصیل در هفت فصل نشان داده است و به این منظور مباحث فلسفی در ارتباط با آگاهی و هشیاری، ذهن‌گرایی، شناخت‌گرایی، گشتالت، رفتارگرایی، عصب‌روان‌شناسی و ... را به تفصیل در فصول جداگانه مطرح کرده است. در ادامه روش‌های مختلف تبیین در روان‌شناسی را نیز به تفصیل در سه فصل بیان کرده است.

با وجود این به نظر می‌رسد به برخی از سرفصل‌ها در این کتاب اشاره‌ای نشده است. برای نمونه:

۱. جاداشت در یک فصل به زمینه‌های فلسفی روان‌شناسی در فلسفه‌های غرب (مانند خردگرایی و تجربه‌گرایی) و همچنین زمینه‌های اجتماعی پیدایش روان‌شناسی اشاره می‌شد.
۲. به نظر می‌رسد بحث نگاه فلسفی به تفکر و زبان، با توجه به جایگاه آن در روان‌شناسی معاصر و سرفصل مصوب، نیز ضروری است به محتوای کتاب اضافه شود.
۳. از فناوری روان‌شناسی (روان‌شناسی بالینی، روان‌شناسی تربیتی، روان‌شناسی صنعتی - سازمانی) در کتاب بحثی به میان نیامده است. با توجه به اهمیت مباحث فلسفه فناوری در کشور و شأن دوگانه‌ی علوم انسانی، از جمله روان‌شناسی (شأن علمی و فناورانه) که علی‌پایا (۱۳۸۶) در مقاله خود با عنوان: «ملاحظات نقادانه درباره‌ی دو مفهوم علم دینی و علم بومی» نیز به تفصیل به آن اشاره کرده است، شایسته بود این سرفصل نیز در کتاب مورد بحث قرار می‌گرفت.

۶. ارزیابی نسبت محتوای کتاب با سرفصل دروس مرتبط

در سرفصل مصوب درس فلسفه روان‌شناسی، مباحث اساسی در روان‌شناسی ۲ (کد ۱۰۲) به عنوان درس پیش‌نیاز معرفی شده است. از دیگر دروس مرتبط با این درس می‌توان به «تاریخ و مکاتب روان‌شناسی و نقد آن» (کد ۱۰۳) و «معرفت‌شناسی» (کد ۱۱۵) اشاره کرد.

با توجه به این که فهم مباحث مطرح شده در فلسفه روان‌شناسی نیازمند آشنایی دانشجویان با نظریه‌ها و مکاتب روان‌شناسی است، برای بهره‌مندی بیشتر دانشجویان، بهتر

است این درس در نیمه‌ی دوم دوره‌ی کارشناسی و زمانی که دانشجوی درس‌هایی مانند «نظریه‌های شخصیت» و «نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی» را پشت سر گذاشته و با مکاتب مختلف روان‌شناسی آشنا شده است، ارایه شود.

۷. ارزیابی محتوایی کتاب

به نظر می‌رسد در برخی فصل‌های بخش دوم، نویسنده بیش از حد لازم برای درس فلسفه روان‌شناسی، به مفاهیم و اصول نظریه یا رویکرد می‌پردازد (مانند دیدگاه فروید و یا مفاهیم گشتالت و ...)؛ این در حالی است که انتظار می‌رود مفاهیم و اصول نظریه‌ها و رویکردهای روان‌شناسی در دروس مربوط به آن مطرح گردند و این کتاب درسی، بیشتر به مبانی فکری نظریه‌پردازان در سه زمینه‌ی موضوع، روش و هدف پردازد.

در صفحه ۵ آمده است: «فلسفه علم به طور عمده با سه مقوله موضوع علم، روش علم و هدف علم سروکار دارد. ساختار اصلی اثر حاضر نیز با نظر به این سه مقوله در روان‌شناسی، به بررسی موضوع، روش و هدف علم روان‌شناسی اختصاص یافته است.» این در حالی است که در کتاب مورد بحث درباره‌ی موضوع روان‌شناسی در فصول ۳-۹ و در فصول ۱۰-۱۲، درباره‌ی روش روان‌شناسی بحث شده است، اما فصل یا فصولی به هدف روان‌شناسی اختصاص نیافته است. شایسته است در ویرایش بعدی کتاب این نقیصه برطرف گردد. شایان ذکر است نویسنده در صفحه ۳۳ بیان کرده است که منظور وی از «هدف روان‌شناسی» کاربردی بودن آن در زندگی انسان است. اما این معنا و همچنین سایر دیدگاه‌ها درباره هدف روان‌شناسی به وضوح و مستقل در کتاب بررسی نشده است.

ص ۱۸: بهتر بود تمایز میان سه استعاره به شکل بهتری نشان داده می‌شد. اولاً تصویری که از استعاره فلسفه به منزله پرستار یا کنیز علوم ارائه شده نیازمند بازنگری است. در این استعاره که از آن با عنوان فلسفه به منزله خادم علوم هم یاد شده است، کار فلسفه تنها گره-گشایی‌های مفهومی و پاسخ به پرسش‌هایی است که علوم پیش می‌آورند. «فلسفه همچون علم خام یا زودرس» نمی‌تواند استعاره فلسفه به منزله پرستار، کنیز یا خادم علوم را نمایش دهد. «فلسفه همچون علم خام یا زودرس» در مقابل استعاره "علم بالغ و پخته" قرار می‌گیرد. در ادامه نیز این که استعاره‌ی فلسفه به منزله مادر علوم، همانند استعاره فلسفه به منزله پرستار، کنیز و خادم علوم معرفی شده نیازمند بازنگری است. به بیان دیگر همان دو معنای زایش و تجزیه برای استعاره سوم کفایت می‌کرد.

نویسنده در صفحات ۲۵، ۲۶، ۲۹ و ۳۴ به هدف یا رسالت فلسفه علم می‌پردازد که به نظر می‌رسد لازم است نوعی هم‌نوایی بین آن‌ها ایجاد شود. برای مثال: صفحه ۲۵: در پاسخ به این سوال که فلسفه علم به چه نوع مطالعه‌ای می‌پردازد، آمده است: بررسی تاریخ هر علمی، تحلیل فعالیت‌های عالمان و در نتیجه استنباط پیش‌فرضهای آنها و سپس جنبه سوم، ارزیابی فعالیت‌های علمی عالمان.

اما در صفحه ۲۶ همین سه مورد با طرح سوالاتی دیگر مطرح شده: فیلسوفان علم با به کارگیری روش‌های توصیفی، تحلیلی و ارزیابانه، به مطالعه علم می‌پردازند و برای پاسخگویی به سوالاتی در سه محور موضوع، روش و اهداف از این سه روش استفاده می‌کنند. در ادامه در صفحه ۲۹، سه مقوله یا ابعاد سه‌گانه فلسفه علم روان‌شناسی به اینگونه معرفی شده است: تاریخچه - روش‌های پژوهش در روان‌شناسی - هدف روان‌شناسی.

ص ۴۱: از نظریه‌های حالات روانی و جسمی از حیث کیفی متفاوت، اما از لحاظ کمی یکی هستند. به عبارت دیگر، این دو دسته حالات متفاوت به نظر می‌رسند، اما در واقع یک چیز بیش نیستند. جمله اول مبهم و جمله دوم کاملاً واضح است و با توجه به وضوح جمله دوم، حذف جمله اول متن را قابل فهم‌تر می‌کند.

ص ۵۰: پاراگراف آخر ضرورتی ندارد و حذف شود بهتر است.

ص ۱۰۰: نویسنده در جملات پایانی پاراگراف اول توضیحاتی در مورد ترکیب شیمیایی و ویژگی‌های کل‌مرکب و نیز ویژگی مولکول آب داده است که به نظر می‌رسد لازم است مورد بازبینی و اصلاح قرار گیرد.

ص ۱۰۸: نویسنده در مورد فطری بودن امور ذهنی سخن گفته است که به نظر می‌رسد با توجه به اینکه فطرت یک مفهوم کاملاً دینی است، واژه‌ی ذاتی برای این منظور و جایگاه مناسب‌تر است.

۸. ارزیابی نسبت کتاب با کتاب‌های مشابه

همان‌طور که در مقدمه نیز اشاره گردید، به جز کتاب مورد بحث، نه کتاب دیگر با عنوان «فلسفه روان‌شناسی» یا «فلسفه علم روان‌شناسی» منتشر شده است. در این میان تنها کتاب فلسفه روان‌شناسی و نقد آن، اثر بونژه و آردیلا (۱۳۹۸)، چاپ دوازدهم) در مصوبه درس فلسفه علم روان‌شناسی به عنوان منبع اصلی معرفی شده است و بر همین مبنا کتاب‌هایی که به عنوان آمادگی دانشجویان برای آزمون این درس تدوین شده است، عمدتاً از این کتاب

بهره گرفته‌اند. با وجود این، کتاب «فلسفه روان‌شناسی و نقد آن» به دو دلیل نمی‌تواند متن مناسبی برای درس فلسفه روان‌شناسی در مقطع کارشناسی باشد:

۱. این کتاب اصولاً به عنوان یک کتاب درسی نوشته نشده است؛ حجم و قیمت آن نیز به عنوان کتاب یک درس دو واحدی دوره کارشناسی مناسب نیست (کتاب باقری ۱۷ هزار تومان و آخرین چاپ کتاب بونزه و آردیلا، ۷۵ هزار تومان است).

۲. انتظار می‌رود که محتوای کتاب درسی دانشگاهی کاملاً بدون سوگیری نسبت به مکتب و گرایش خاصی نگاشته شود و همه‌ی رویکردها و مکاتب روان‌شناسی بال‌سویه طرح گردند اما برخلاف این انتظار، نویسنده به طور واضح از دیدگاه مادی‌گرایانه و به تبع آن از رویکرد عصب‌روانشناختی و روان‌شناسی زیستی، حمایت کرده است و رویکردهای دوگانه گرا و مانند آن را منسوخ می‌داند.

کتاب‌های دیگری هم که با عنوان «فلسفه علم روان‌شناسی» نوشته شده‌اند، تماماً مربوط به سال‌های اخیر و پس از تصویب سرفصل‌های این درس (۱۳۹۱) بوده‌اند. لازم به ذکر است در حال حاضر، کتاب‌های حسن دلقندی (۱۳۹۸)، سیدسلیمان حسینی و عبدالخالق فلاحی (۱۳۹۵) و مجتبی عقیلی آشتیانی (۱۳۹۱)، پس از جستجو در بازارهای کتاب، توسط نویسنده‌ی این مقاله، قابل دسترسی نبود. کتاب حسین سلیمانی آملی (۱۳۹۸) از نظر تناسب فصل‌های کتاب با سرفصل مصوب وزارت علوم و نیز محتوای کتاب، بسیار ضعیف است و به نظر می‌رسد قابل مقایسه با کتاب خسرو باقری نیست.

با یک بررسی مختصر، به نظر می‌رسد کتاب سعید عبدالملکی (۱۳۹۷)، از نظر عناوین فصل‌ها با سرفصل‌های مصوب وزارت علوم، نسبت به کتاب باقری تناسب بیشتری دارد؛ برای مثال عبدالملکی ریشه‌های فلسفی روان‌شناسی، فلسفه رویکردهای اجتماعی، تفکر و زبان با نگاه فلسفی و فلسفه کاربرد روان‌شناسی را در فصل‌های مجزا در کتاب خود آورده است. لذا برای تکمیل کتاب درسی حاضر با توجه به نقاط قوتی که در کتاب عبدالملکی وجود دارد، لازم است در مقاله‌ی دیگری به بررسی محتوای کتاب عبدالملکی و نیز بررسی تطبیقی محتوای کتاب‌های بونزه، عبدالملکی و باقری پردازیم. همچنین انتظار می‌رود در ویراست‌های بعدی برخی دیگر از مباحث که در سرفصل مصوب به آنها اشاره شده است به کتاب افزوده شود و اشکالاتی که در مقاله‌ی حاضر مطرح شد، نیز برطرف گردد.

۹. پیشنهادهایی برای بهینه‌سازی سرفصل وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در درس فلسفه روان‌شناسی

پارادایم در علوم اجتماعی و علوم انسانی به معانی مختلفی از جمله: جهان‌بینی، موضع معرفت‌شناختی و باورداشت‌های مشترک در یک حوزه‌ی پژوهشی به کار می‌رود که معنای جهان‌بینی وسیع‌ترین تعریف را شامل می‌شود و دربرگیرنده‌ی باورها، ارزش‌ها، روش‌ها و غیره است (محمدپور، ۱۳۹۸).

به نظر می‌رسد برای فهم بهتر و جامع‌تر فلسفه روان‌شناسی، بهتر است ابتدا دانشجویان با پارادایم‌های مختلف در حوزه‌ی علوم انسانی از جمله روان‌شناسی آشنا شود؛ برای مثال پارادایم‌هایی که محمدپور (۱۳۹۸) به صورت نسبتاً جامع در کتاب روش در روش آورده است، به طور خلاصه ارایه گردد و سپس پارادایم‌های غالب بر مبنای فکری نظریه‌های مختلف روان‌شناسی از حیث موضوعی و نیز رویکردهای مختلف تحقیقاتی از حیث روش‌شناسی پژوهش در روان‌شناسی مورد تحلیل و بررسی قرار گیرند. این روش چند مزیت دارد:

۱. دانشجویان در دروس دیگر دوره‌ی کارشناسی، نظریه‌های مختلف روان‌شناسی (از ابتدا تا اکنون) را فقط از حیث مفاهیم و اصول و فنون آن مطالعه می‌کنند و به این ترتیب در این درس می‌توانند هر نظریه را به طور مجزا از حیث مبنای فکری نظریه پردازان آن مطالعه کنند؛ درحالی‌که در شیوه‌ی کنونی ارایه‌ی سرفصل‌های وزارت علوم و از جمله کتاب دکتر باقری، عملاً برخی پارادایم‌ها و برخی نظریات به صورت ترکیبی مطرح می‌شوند و به برخی رویکردها و نظریه‌های مطرح در کتاب‌های مربوط به روان‌درمانی و مشاوره اشاره نمی‌شود.

۲. دوم اینکه برخی نظریه‌های روان‌شناسی عملاً از پارادایم‌های مختلف متأثر شده‌اند و با این شیوه‌ی ارایه‌ی بحث، می‌توان پارادایم‌های موثر بر هر نظریه را به صورت واضح‌تری مورد بررسی قرار داد.

۳. دانشجویان در درس روش تحقیق، عمدتاً فقط روش‌های مختلف پژوهش را فرا می‌گیرند در حالی‌که در این روش، می‌توان پارادایم‌های غالب در هر روش پژوهشی را در قسمت روش‌شناسی پژوهش مورد بحث قرار داد.

۴. به این ترتیب با نظم‌دهی بیشتر و مشخص کردن پارادایم‌های غالب در مبانی فکری نظریه‌پردازان مختلف و روش‌های گوناگون پژوهشی مورد استفاده در روانشناسی، درس فلسفه روان‌شناسی برای دانشجویان ملموس‌تر، عینی‌تر و جذاب‌تر خواهد شد.

۵. هم‌چنین به نظر می‌رسد در این روش، دیگر نیاز نیست کتاب فلسفه روان‌شناسی به محتوای تفصیلی نظریه‌ها از نظر مفاهیم و اصول بپردازد چون این مطالب در دروس دیگر رشته‌ی روان‌شناسی مطرح می‌شود؛ بلکه بیشتر مبانی فکری هر نظریه پرداز و هر مکتب یا رویکرد روان‌شناسی مورد توجه قرار گیرد. چنان‌چه در برخی فصل‌های کتاب مورد بررسی در این مقاله نیز این مورد قابل مشاهده است (قبلاً بدان اشاره شد) که ضروری به نظر نمی‌رسد و تکرار مباحث درس‌های دیگر رشته‌ی روان‌شناسی است.

۱۰. نتیجه‌گیری

بی‌شک اگر قرار باشد تحولی در عرصه‌ی علوم انسانی رخ دهد، باید دانشجویان هر یک از رشته‌های علوم انسانی با تاریخچه‌ی پیدایش و تحولات علم خود و هم‌چنین با مبانی فلسفی و روشی علم خود به دقت آشنا باشند. در پی تصویب درس «فلسفه علم روان‌شناسی» برای دوره کارشناسی روان‌شناسی، چندین کتاب راهنمای سوالات امتحانی درس «فلسفه علم روان‌شناسی» که عمدتاً برگرفته از کتاب «فلسفه روانشناسی و نقد آن» اثر بونژه و آردیلا (۱۳۹۸) بود، تدوین شد. در میان چند کتاب تألیف شده در داخل کشور، با عنوان «فلسفه علم روان‌شناسی» کتاب دکتر خسرو باقری که توسط سازمان مطالعه و تدوین کتب درسی علوم انسانی (سمت) منتشر شده است، در حال حاضر به عنوان یکی از کتاب‌های درسی برای این عنوان مصوب، ارزیابی می‌شود.

با وجود این و با توجه به نکاتی که در مقاله به آن اشاره شده است، به نظر می‌رسد در ویرایش بعدی لازم است کتاب حاضر از چند جهت اصلاح و تکمیل گردد:

۱. عنوان کتاب فلسفه روان‌شناسی شود.

۲. به تناسب سرفصل‌های مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۲ تا ۳ فصل به کتاب اضافه شود.

۳. تعداد صفحات کتاب به حدود ۲۵۰-۲۸۰ صفحه افزایش یابد.

۴. اشکالات نگارشی و ویرایشی که به برخی از آن‌ها در مقاله اشاره شد برطرف شود.

۵. پاره‌ای از اشکالات محتوایی که در مقاله مطرح گردید، اصلاح شود.

با توجه به توانایی علمی نویسنده‌ی کتاب، موقعیت ایشان در دانشگاه و همچنین با توجه به جایگاه انحصاری سازمان سمت در تدوین کتاب درسی برای رشته‌های علوم انسانی، اگر چندین جلسه نقد و بررسی در ارتباط با این کتاب تشکیل شود و اساتیدی که کتاب حاضر را تدریس کرده‌اند، اشکالات آن را در قالب ساختاری که سازمان سمت یا نویسنده معرفی می‌کنند به اطلاع نویسنده برسانند و هر سال ویرایش جدیدی از کتاب ارائه شود، پس از چند سال، به کتاب درسی منحصر به فردی برای درس «فلسفه روان‌شناسی» خواهیم رسید. با توجه به اینکه برای تحول علوم انسانی در هر زمینه لازم است ابتدا مکاتب و نظریه‌های موجود از نظر مبنا و مفاهیم مورد بررسی و نقد قرار گیرند، این دست کتابها می‌تواند بسترهای مورد نیاز برای ایجاد این تحول را فراهم کند. اما اگر قرار باشد تحولی که در علوم انسانی و اجتماعی (در این جا روانشناسی) ایجاد می‌شود، تحولی در جهت دین باشد و بتواند جامعه‌ی علمی کشور (جامعه روانشناسان) را به مقصد علوم انسانی اسلامی راهنمایی کند، لازم است از منظر اسلامی و با بهره‌گیری از آیات و روایات و دانش‌های اسلامی (نظیر کلام، فلسفه و عرفان اسلامی)، مکاتب و رویکردهای موجود در علوم انسانی از جمله روان‌شناسی نقادی گردد. به این ترتیب می‌توان به نویسنده پیشنهاد داد که در هر فصل، قسمت بحث و بررسی، با اضافه کردن نقدهایی از زاویه‌ی اسلامی، تکمیل و پربارتر شود. چنین کتابی تجربه‌ای خواهد شد برای تدوین کتاب‌های درسی دیگری که برای زمینه‌سازی تحول علوم انسانی و دستیابی به علوم انسانی اسلامی به آن نیاز داریم.

کتاب‌نامه

باقری نوع پرست، خسرو (۱۳۹۸)، *فلسفه علم روان‌شناسی*، تهران: سمت.
بونژه، ماریو و روبین آردیلا (۱۳۹۸)، *فلسفه روانشناسی و نقد آن*، ترجمه و نقد محمد جواد زارعان و همکاران، چاپ دوازدهم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
پایا، علی (۱۳۸۶)، *ملاحظات نقادانه درباره‌ی دو مفهوم علم دینی و علم بومی، حکمت و فلسفه*، دوره ۳، شماره ۱۰-۱۱.

حسینی، سید سلیمان و عبدالخالق فلاحی (۱۳۹۵)، *فلسفه علم روانشناسی*، زاهدان: تجربه نو.

دلقتدی، حسن (۱۳۹۸)، *فلسفه علم روانشناسی*، مشهد: تاک کتاب.

- سرخه، زینب و محمد رضا تعویقی (۱۳۹۶)، *فلسفه علم روانشناسی*، کرج: مهاتما گاندی.
- سلیمانی آملی، حسین (۱۳۹۸)، *فلسفه علم روانشناسی*، تهران: زوار.
- عباسی، یاسمین (۱۳۹۶)، *فلسفه علم روانشناسی*، کرج: بیدار.
- عبدالملکی، سعید (۱۳۹۷)، *فلسفه علم روانشناسی*، تهران: طلایی.
- عقیلی آشتیانی، مجتبی (۱۳۹۱)، *فلسفه علم روانشناسی*، گرگان: مختومقلی فراغی.
- گروه مولفین محام (۱۳۹۶)، *فلسفه علم روانشناسی*، کرج: دانش محام.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۸)، *روشن در روشن؛ درباره‌ی ساخت معرفت در علوم انسانی*، تهران: لوگوس.
- میرتبار درزی، سید تراب (۱۳۹۵)، *راهنما و بانک سوالات امتحانی فلسفه روان شناسی و تقد آن*، تهران: خردمندان.
- وحیدی، نغمه و زینب اصالتی (۱۳۹۸)، *کتاب طلایی فلسفه علم روانشناسی*، تهران: مولفین طلایی.

